

بررسی تطبیقی روش فقه الحدیثی ابن حجر عسقلانی در فتح الباری با روش فقه الحدیثی یعقوب کلینی بر کتاب اصول کافی

طاهره ابراهیمی^۱

چکیده

دانش فقه الحدیث از علوم اعلی شناخته می شود که در علوم حدیثی کاربرد دارد، و دریافت و فهم مقصود حدیث، از اهداف نهایی پرداختن به حدیث می باشد. در پژوهش حاضر به بررسی مقایسه تطبیقی روش های فقه الحدیثی دو چند از بزرگترین محدثان اهل سنت و شیعه یعنی ابن حجر عسقلانی در شرح بزرگش فتح الباری شرحی بر صحیح بخاری و یعقوب کلینی بر کتاب اصول کافی می پردازیم و مبانی، روش ها و ویژگی های حدیث نزد این دو محدث را بررسی کرده و اختلافات و اشتراکات آنها را بیان می داریم. تبیین دلالت متن، رفع تعارض از اخبار به ظاهر متعارض، بیان حکم فقهی مستنبط از احادیث باب، توضیح واژگان غریب، استناد به شعر عربی، خدانشناسی و شرح متن بر اساس شواهد تاریخی از مهم ترین روش های فقه الحدیثی کلینی می باشد. از جمله مهم ترین روش های فقه الحدیثی ابن حجر نیز توضیح آیات، شرح حال رجال سلسله سند، استناد به قول بزرگان، بیان اصطلاحات درایه الحدیث، استناد به شعر و تبیین مبهم می باشد.

کلیدواژه: ابن حجر عسقلانی، یعقوب کلینی، فتح الباری، اصول کافی، فقه الحدیثی.

¹ طلبه سطح 3 مدرسه علمیه حضرت آمنه شهرستان فریدونکنار.

1. مقدمه

در بین کتب شیعه، از ارزنده ترین و ارزشمندترین کتبی که می توان نام برد کافی است. شیخ مفید آن را «از بهترین و پر فائده ترین آن ها می داند.» (مفید، 1414ق، 70) در بین کتب اهل سنت نیز صحیح بخاری یکی از کتاب های حدیثی و از صحاح سته محسوب می شود و معتبر ترین کتاب حدیث نزد اهل سنت می باشد. معروف ترین شرحی که بر این کتاب نگاشته شده است توسط ابن حجر عسقلانی است. با توجه به اهمیت دو کتاب مذکور و مورد استفاده قرار گرفتن این دو شرح توسط عالمان دینی بررسی و تحلیل روش فقه الحدیثی مولفان در شرح احادیث ضرورت می یابد. بنابراین بررسی روش های فقه الحدیثی ابن حجر در کتاب فتح الباری که از بهترین آثار و شروح بر کتاب صحیح بخاری است، و مقایسه آن با روش کار کلینی بر کتاب کافی می تواند اطلاعات سودمندی در اختیار ما قرار دهد. ابن حجر عسقلانی در "فتح الباری" به روشی فقه الحدیثی می پردازد که بر اساس تفسیر و تحلیل حدیث های نبوی می باشد. او در این اثر به تحقیقات عمیق در حدیث ها و تفسیرهای مختلف پرداخته و به تحلیل و تفسیر مفسرین بزرگ می پردازد. یعقوب کلینی در "اصول کافی" نیز به روشی فقه الحدیثی می پردازد ولی با تمایلی خاص به تحقیق و تحلیل حدیث های نبوی و اسلامی. او در این اثر به تحلیل و تفسیر حدیث ها و احادیث مختلف پرداخته و به تحقیقات عمیق در این زمینه می پردازد (زرین کلاه، 1401). روش های فقه الحدیثی مختلفی توسط علمای اسلامی در طول تاریخ برای تفسیر و تحلیل احادیث استفاده شده اند. دو نمونه برجسته از این روش ها توسط ابن حجر عسقلانی در کتاب "فتح الباری" و یعقوب کلینی در کتاب "اصول کافی" ارائه شده اند. این دو عالم برجسته با دیدگاه ها و رویکردهای مختلف به تحلیل و تفسیر احادیث پرداخته اند که تفاوت های قابل توجهی در متون آن ها مشاهده می شود (دهقانی، 1394). مسأله مورد بررسی در این تحقیق این است که روش های فقه الحدیثی این دو مولف در مقایسه با یکدیگر چیست؟

2. مفهوم شناسی واژه فقه الحدیث

2-1. فقه الحدیث در لغت

فقه در لغت به معنای فهم، یا فهم از روی تأمل و دقت است. (جوهری، 1402ق، 2243/6؛ ابو هلال عسکری، بی تا، 412) حدیث در لغت به چیزی گفته می شود که قبلاً ناپیدا بوده و سپس پیدا شده است. (ابن فارس، 1399ق، 36/2) به همین دلیل حدیث را کلام گفته اند، که اندک اندک اجزای آن پدید می آید. (طریحی، 1414ق، 1/371)

2-2. فقه الحدیث در اصطلاح

حدیث در نزد دانشمندان این علم، در چند معنا به کار برده شده است؛ به ذکر چند نمونه اشاره می کنیم:

شیخ بهایی در تعریف آن آورده است: «حدیث همان سخن معصوم (علیه السلام) و هر آنچه که حکایت از گفتار، اعمال و تقریر معصوم (علیه السلام) باشد.» (عاملی، 1396ق، 2)

سیوطی از علمای اهل سنت، حدیث را اینگونه تعریف می کند: «حدیث یعنی فعل، قول و تقریر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، صحابه و تابعین از ایشان. (سیوطی، بی تا، 23/1)

ابن حجر نیز در کتاب شرح بخاری در تعریف حدیث می گوید: «بر طبق آنچه در شرع، معمول است مراد از حدیث هر آن چیزی است که به پیامبر اسناد داده شده است و از حدیث نقطه مقابل قرآن اراده شده؛ چرا که قرآن قدیم و سابق بر حدیث است.» (صبحی سالم، 1984م، ص 92)

در معنایی جامع می توان فقه الحدیث را این گونه تعریف نمود: «فقه الحدیث یکی از زیرشاخه های علوم حدیث است و در بین علوم حدیثی، علم اعلی شناخته می شود. به نوعی می توان گفت هدف اصلی از توجه به حدیث، یعنی فقه الحدیث است و علوم دیگر حدیثی مانند درایه، رجال و تاریخ حدیث مقدمه ای برای رسیدن به این بخش هستند تا معنای حدیث و مقصود معصوم مشخص شود و به کار گرفته شود.» (فیض کاشانی، 1406ق، 127/1)

3. اهمیت فقه الحدیث

حدیث از مهم ترین منابع فهم دین در کنار قرآن می باشد. امام صادق (علیه السلام) در اهمیت حدیث می فرماید: «ما من شیء الا و فیه کتاب او سنه» (کلینی، 1407ق، 59/1) چیزی نیست، جز آن که در مورد آن آیه قرآن و یا حدیثی بیان شده است. پس با دانستن این علم، معنایی که قریب ترین معنا به مقصود امام (علیه السلام) بوده برای انسان کسب می شود، به طوری که کسی که عالم به این دانش، می تواند معنایی که در ذهن معصوم بوده است را درک نماید.

4. معرفی اجمالی کتاب کافی

کتاب کافی نخستین و مهم ترین کتاب از مجموعه کتب اربعه تألیف محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی از اجل روات شیعه و ثقه ترین آنها (طبرسی، 1417ق، 1: 405) که در تمجید از آن گفته شده است کافی بزرگترین و سودمندترین کتب شیعه است. (مفید، ۱۴۱۴، ۷۰) کافی نخستین کتاب موجودی است که احادیث معصومان را به این گستردگی و با برخورداری از نظم و ترتیبی موضوعی که کلینی در طی ۲۰ سال گرد آورده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۵ : ۱۴۱) و جامع اصول فرو اخلاق موعظه و دیگر موضوعات است. (نوری، ۱۴۱۵، ۴ : ۵۳۲)

کلینی از پیشوایان حدیث و علمای امامیه (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ۸ : ۱۲۸) در زمینه ضبط احادیث نسبت به سایر محدثان دقت بیشتری دارد. (حلی، ۱۴۱۷ ق، ۳۴۵) از همین رو علما در مقام تعارض روایات کافی با غیر آن کافی را مقدم می‌دانند و آن را ضبط اصول به شمار می‌آورند. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۱ : ۳)

5. روش‌های فقه الحدیثی کلینی

5-1 تبیین دلالت متن

از آنجا که موضوع فقه الحدیث خصوص متن حدیث است، که در آن به شرح لغات حدیث و بیان حالات آن از جهت نص ظاهر، عام، خاص، مطلق، مقید، مجمل، مبین، معارض یا غیر معارض بودن آن پرداخته می‌شود. کلینی در برخی موارد به تبیین و توضیح روایت پرداخته و پرده ابهام را از چهره روایت گرفته در این راستا گاهی خود به شرح عبارت می‌پردازد و گاهی به نقل گفته دیگران پرداخته و تبیین و توضیح راویان را ذیل روایت آورده است.

5-2 استناد به آیات قرآن

در برخی موارد کلینی برای اثبات آرا نظریات فقهی خود به آیاتی از قرآن استدلال می‌کند از جمله در بیان معنای کلالة می‌گوید: کلالة عبارت است از برادران و خواهران هستند در صورتی که میت فرزندی یا پدر و مادر نداشته باشد اما در صورتی که فرزند و پدر و مادر برای یکی از آنها در قید حیات باشند برادران و خواهران کلالة محسوب نمی‌شوند و طبعاً سهم الارث هم نخواهند داشت. سپس برای اثبات نظر خود به این آیه شریفه استناد می‌نماید: «يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنَّ امْرَأً هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ.....» (نسا/176) (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۷ : ۷)

5-3 استناد به توضیح اصحاب ائمه

کلینی در مواردی به نقل توضیحات راویان در ذیل احادیث پرداخته است، مثل آنگاه که روایت امام صادق (علیه السلام) مبنی بر وجوب زکات در موارد نه گانه را برمی‌شمارد و اینکه امام بعد از ذکر موارد نه گانه زکات، خداوند بقیه موارد را عفو نموده است از قول یونس بن عبدالرحمان نقل می‌کند که این حکم مربوط به آغاز رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده، همانطور که نماز در اول بعثت دو رکعت بوده اما بعدها پیامبر زکات تمامی حیوانات را واجب نمود. (همان) در کتاب ارث روایات متعددی دال بر ارث بردن جد برمی‌شمارد و بعد به بیان یونس بن عبدالرحمان ذیل روایت می‌پردازد که جد نازل منزله برادر است و همان نسبت را با میت دارد که برادر دارد.

5-4. رفع تعارض از اخبار به ظاهر متعارض

شناسایی روایات متعارض و راه علاج آنهایی یکی از شاخه‌های فقه الحدیث است. دانستن اسباب اختلاف و راه‌های علاج آن از تشتت آرای موجود در یک باب می‌کاهد و در نزد یک و در نزدیک شدن به ثواب موثر است. و شاید بر همین اساس پیشینیان تبحر در آن را نشانه رسیدن به مرتبه اجتهاد و جواز نشستن بر سند، فتوا دانستند. (سیوطی، 1417ق، 175)

این موضوع را عالمان دین در نظر داشتند و آن را مهم‌ترین مسئله در تعارض ادله دانسته‌اند. (سیستانی، 1414ق، 1: 25)

در نگاهی گذرا به کتب حدیث شیعه و توجه به عناوین ابواب نشان می‌دهد که حتی در روایات معصومین علیه السلام نیز از عوامل وقوع تعارض و چگونگی علاج آن و رفع اختلاف سخن به میان آمده است. (حر عاملی، بیتا، 18: 75) در همین راستا کلینی در کافی بابی تحت عنوان اختلاف الحدیث گشوده است. (کلینی، 1407ق، 1: 62-69)

5-5. بیان حکم فقهی مستنبط از احادیث باب

کلینی در مواردی در ابتدای باب آرای فقهی خویش را تبیین کرده است و سپس احادیث مربوط به آن باب را آورده است وی در باب فی از کتاب حجت با شیوه خاصی به عنوان مقدمه معنی فیء در انفال فحوص و کیفیت تقسیم و احکام آنها را تبیین کرده است و در پی آن احادیث مربوط را آورده است او می‌نویسد خدای تبارک و تعالی همه دنیا را به خلیفه خود داده زیرا به فرشتگان می‌گوید: من در زمین خلیفه قرار دادم. (بقره/ 30)

پس همه دنیا از آن آدم بود و پس از او به فرزندان نیکوکار و جانشینانش رسید بنابراین آنچه را از دنیا دشمنانشان به زور گرفتن و سپس به وسیله جنگ یا غلبه به آنها برگشت فیء نامیدند. پس فیء آن است که به وسیله غلبه و جنگ به آنها برگردد و حکم فیء آن است که خدای تعالی فرماید بدانید که هرچه غنیمت گیرید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و خویشان پیامبر است این است بیان فیء که برگشت می‌کند. و برگشتش از این جهت است که در دست دیگران بوده و به زور شمشیر از آنها گرفته شده است.

و اما آنچه بدون تاختن اسب و شتر به آنها برگردد انفال است که مخصوص خدا و پیامبر است و هیچکس در آن شریک نیست. توضیح واژگان غریب از بین بیان‌های کلینی زیر روایات کافی برخی ناظر به بررسی‌های واژه‌ای و لغت شناسانه است این وضعیت شامل تمامی بیان‌ها و توضیحات او نمی‌شود، بلکه کلینی هر جا لازم

10-2-1-2. یعقوب کلینی: یعقوب کلینی در "اصول کافی" بیشتر به جمع‌آوری و نقل احادیث معتبر از راویان شیعه توجه دارد. او به تحلیل زنجیره‌های روایت و نقد رجال حدیث نیز می‌پردازد، اما بیشتر تمرکز او بر ارائه احادیث است.

10-2-2. تفسیر و تفصیل:

10-2-2-1. ابن حجر عسقلانی: ابن حجر عسقلانی در "فتح الباری" به تفسیر و تفصیل احادیث اهمیت زیادی می‌دهد. او به توضیح مفاهیم و معانی احادیث پرداخته و سعی می‌کند تا ابعاد مختلف آن‌ها را روشن کند. او همچنین به مقایسه احادیث با دیگر روایات پرداخته و تلاش می‌کند تا یک تصویر کامل از موضوع ارائه دهد.

10-2-2-2. یعقوب کلینی: یعقوب کلینی در "اصول کافی" بیشتر به نقل احادیث می‌پردازد و تفسیر و تفصیل کمتری ارائه می‌دهد. او سعی می‌کند تا احادیث را به صورت مستقیم و بدون تفسیر زیاد نقل کند تا خوانندگان بتوانند به راحتی به منابع اصلی دسترسی پیدا کنند.

10-3. موضوعات تخصصی:

10-3-1. ابن حجر عسقلانی: در "فتح الباری"، ابن حجر عسقلانی به موضوعات خاصی مانند فقه، تفسیر قرآن، و سیره نبوی پرداخته است. او به تحلیل احادیثی که به این موضوعات مرتبط هستند، توجه ویژه‌ای دارد و تلاش می‌کند تا با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی، احادیث را تفسیر کند.

10-3-2. یعقوب کلینی: در "اصول کافی"، یعقوب کلینی بیشتر به موضوعات عقیدتی و فقهی شیعه پرداخته است. او به جمع‌آوری احادیثی که به این موضوعات مرتبط هستند، توجه دارد و تلاش می‌کند تا با نقل احادیث معتبر، مبانی عقیدتی و فقهی شیعه را تقویت کند.

10-3-3. تمرکز بر مباحث رجالی: ابن حجر عسقلانی بیشتر بر بررسی رجال حدیث و تحلیل سند تمرکز داشته است، در حالی که کلینی بیشتر به تحلیل محتوای حدیث و تطبیق آن با آیات قرآن پرداخته است.

10-3-4. توجه به شرایط صدور حدیث: کلینی به بررسی شرایط و زمینه‌های تاریخی صدور احادیث پرداخته، در حالی که ابن حجر بیشتر به تحلیل سند و رجال پرداخته است.

10-3-5. روش تحلیل محتوا: کلینی به تحلیل محتوای احادیث و تطبیق آن‌ها با آیات قرآن پرداخته است، در حالی که ابن حجر بیشتر به تحلیل سند و رجال پرداخته و کمتر به تحلیل محتوای احادیث توجه کرده است.

10-4. ارزیابی نهایی: به طور کلی، هر یک از این دو روش مزایا و معایب خود را دارند. روش ابن حجر عسقلانی با تأکید بر تحلیل سند و استفاده از منابع متعدد، به دقت بیشتر در بررسی صحت احادیث کمک می‌کند. در حالی که روش یعقوب کلینی با تمرکز بر تحلیل محتوای حدیث و تطبیق با آیات قرآن، به فهم بهتر مفاهیم دینی کمک می‌کند. روش‌های فقه الحدیثی ابن حجر عسقلانی و یعقوب کلینی، هر یک با توجه به هدف و مخاطبان خود، مزایا و معایب خاصی دارند. روش ابن حجر عسقلانی با تأکید بر تحلیل سند و استفاده از منابع متعدد، به دقت بیشتر در بررسی صحت احادیث کمک می‌کند. در حالی که روش یعقوب کلینی با تمرکز بر تحلیل محتوای حدیث و تطبیق با آیات قرآن، به فهم بهتر مفاهیم دینی کمک می‌کند.

11. نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی روش های فقه الحدیثی ابن حجر عسقلانی در شرح بزرگش فتح الباری شرحی بر صحیح بخاری و یعقوب کلینی بر کتاب اصول کافی پرداخته شد. کلینی تنها به نقل روایات نپرداخته بلکه گاهی در صورت لزوم به شرح و تفسیر نیز پرداخته است. از روش های فقه الحدیثی کلینی، تبیین دلالت متن، رفع تعارض از اخبار به ظاهر متعارض، بیان حکم فقهی مستنبط از احادیث باب، توضیح واژگان غریب، استناد به شعر عربی، خدانشناسی و شرح متن بر اساس شواهد تاریخی می توان نام برد. ابن حجر نیز در کتاب فتح الباری در شرح روایات از روش های بسیاری از جمله توضیح آیات، شرح حال رجال سلسله سند، استناد به قول بزرگان، بیان اصطلاحات درایه الحدیث، استناد به شعر و تبیین مبهم می باشد. در بررسی تطبیقی دو روش فقه الحدیثی مورد استفاده توسط ابن حجر عسقلانی و یعقوب کلینی، می توان به موارد زیر اشاره کرد.

12. فهرست منابع

*قرآن کریم

1. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، (1385) الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
2. ابن بابویه، محمد بن علی، (1398ق) التوحید، قم، نشر جامعه مدرسین.
3. ابن حجر، احمد، (1408ق) فتح الباری شرح صحیح بخاری، بیروت، دار المعرفه.
4. ابن فارس، احمد، (1399ق) معجم مقاییس اللغة، دارالفکر.
5. ابوهلال عسکری، حسن، (بی تا) الفروق اللغویه، قاهره، دارالعلم.
6. باقرزاده، عبدالرحمن. (1398). مخالفت‌های اهل سنت با دیدگاه‌های ابن تیمیه درباره فضایل امیرالمومنین علیه السلام؛ با تاکید بر ابن حجر عسقلانی. معرفت کلامی، 10(23)، 47-64.
7. جوهری، اسماعیل، (1402ق) الصحاح، الطبعة الثانية.
8. حر عاملی، محمد بن حسین، (بی تا) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
9. حلی، حسن بن یوسف، (1417ق) خلاصه الاقوال، قم، موسسه نشر الفقاهه.
10. دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائره المعارف اسلامی، مقاله «ابن حجر عسقلانی».
11. دهقانی، سمیرا و حسومی، ولی الله، 1393، مرور قواعد فقه الحدیثی در شرح احادیث نبوی با تکیه بر کتاب فتح الباری از ابن حجر عسقلانی،
12. زرین کلاه، الهام، 1401، واکاوی روش فقه الحدیثی ابن حجر در فتح الباری بشرح صحیح البخاری، دومین همایش بین المللی تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث، شاهرود.
13. سخاوی، محمد، (1406ق) الجواهر و الدرر فی ترجمه شیخ الاسلام ابن حجر، قاهره.
14. سیستانی، علی، (1414ق) الراشد فی علم الاصول، قم، نشر مکتب آیت الله العظمی سیستانی.
15. سیوطی، جلال الدین، (بی تا) تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ریاض، مکتبه الریاض الحدیثیه.
16. صبحی صالح، (1984م) علوم الحدیث و مصطلحه، بیروت، دار العلم للملایین.
17. طبرسی، فضل بن حسن، (1417ق) اعلام الوری باعلام الهدی، قم، نشر آل البیت.
18. طریحی، فخرالدین، (1414ق) مجمع البحرین، قم، مرکز الطباعة و النشر فی موسسه البعثه.
19. طوسی، محمد بن حسن، (1351) الفهرست، مشهد، دانشگاه مشهد.
20. عاملی، بهاء الدین، (1396ق) الوجیزه فی علم الدرايه، قم، المکتبه الاسلامیه الکبری.
21. فیض کاشانی، محمد بن محسن، (1406ق) الوافی، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین.
22. کلینی، محمد بن یعقوب، (1407ق) الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

23. مجلسی، محمدباقر، (1403ق) بحارالنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
24. -----، (1404ق) مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
25. معارف، مجید، (1390) جوامع حدیثی اهل سنت، تهران، سمت.
26. مفید، محمد بن محمد، (1414ق) تصحیح اعتقادات الامامیه، قم، ناشر کنگره شیخ مفید.
27. موسوی گرمارودی، سید عمران، و توکلی خانیکی، محمد جواد. (1403). تحلیل و نقدِ سندی - دلالی روایت شأن صدور تسبیحات حضرت فاطمه (س) در منابع عامّه. مطالعات قرآن و حدیث، 34(الف)، 127-158.
28. نجاشی، احمد بن علی، (1407ق)، رجال، قم، انتشارات جامعه المحدثین.
29. نوری، حسین بن محمد تقی، (1415ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت.